

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. 832

832-161

Date of filing: 8.07.1997

** AWARD - Type of Award _____
- Date of Award _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of and 2 Do of Mr Allison
- Date 8 July 1997
_____ pages in English 3 pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** OTHER; Nature of document: _____

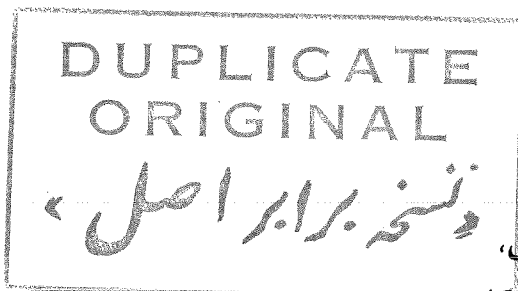
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

پرونده شماره ۸۳۲

شعبه سه

حکم شماره ۵۸۰-۸۳۲-۲

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دیوان دعوای ایران - ایالات متحده
FILED	ثبت شد
DATE - 8 JUL 1997	
۱۳۷۶ / ۴ / ۱۷	تاریخ



ویویان می توکلی،

جمشید دیوید توکلی،

کیوان آنتونی توکلی،

خواهانه،

- و -

دولت جمهوری اسلامی ایران،

خوانده.

English version Filed on <u>23 APR 1997</u>
نسخه انگلیسی در تاریخ ۲۳ / ۴ / ۱۳۷۶
ثبت شده است.

 نظر موافق و مخالف ریچارد سی. الیسون

۱ - با کمال احترام، از اینکه دعوی کیوان آنتونی و جمشید دیوید توکلی در ارتباط با موضوع تابعیت در حکم رد شد، مخالفت خود را ابراز می‌نمایم. برخورد دیوان با موضوع تابعیت غالب و مؤثر - که معمولاً بر پیوندهای اجتماعی و اقتصادی و مذهبی با جامعه متمرکز است - با همان شدت و حدتی که در مورد بزرگسالان صادق است، در مورد خردسالان نمی‌تواند بکار رود. علایق و ارتباطات خردسالان بطور معمول بیشتر محصور در چهار دیواری خانواده و محیط مدرسه آنهاست، تا وابسته به جهان خارج از این دو. در مواردی - که ظاهراً در پرونده حاضر صدق می‌کند - والدین نسبت به تابعیتی تعهد بسیار قوی دارند (و علاقمندند ارزشهای مربوط به آن را در فرزندان خود القاء نمایند)، اثر این عامل بسیار قوی تر از همه اثرات دیگر است. باتوجه به عقاید خانم توکلی در این باره،

که ظاهراً" مورد توافق شوهرش نیز بود، و نیز با توجه به جو آمریکایی حاکم بر تحصیل این فرزندان، حتی در ایران، انتظار آن می‌رفت که فرزندان خانواده توکلی در موقعی که در ژانویه ۱۹۷۷ بطور قطعی به ایالات متحده نقل مکان کردند، بلافاصله یا طی مدت کوتاهی جذب جامعه آمریکا شوند. ادله مربوط به سهولت جذب شدن آنان در دبیرستان در شهر نشویل این واقعیت را تأیید می‌کند. مشکل بتوان تردید نمود که حدود سه سال بعد از آن (یعنی در تاریخ پنجم آذرماه ۱۳۵۸ [۲۶ نوامبر ۱۹۷۹] که دعاوی آنها ایجاد شد)، تابعیت غالب و موثرشان تابعیت ایالات متحده بوده است. مقایسه کنید: پرونده رضا سعید مالک و دولت جمهوری اسلامی ایران، قرار اعدادی شماره ۳-۱۹۳-۶۸ مورخ دوم تیرماه ۱۳۶۷ [۲۳ ژوئن ۱۹۸۸]، چاپ شده در 48 Iran-U.S. C.T.R. 19.

۲ - پرونده های مورد نقل در بند ۴۷ حکم، به عنوان پرونده های متضمن وضعیت "قابل مقایسه" با وضعیت خانواده توکلی، جز از این لحاظ که مادر، آمریکایی و پدر، ایرانی بوده، هیچ مشابهتی با پرونده حاضر ندارند. از جمله اختلافات موضوعی مهم و متعددی که پرونده های منعمی^۱ و ملکزاده^۲ را از پرونده حاضر متمایز می‌سازند، این واقعیت است که خانواده های منعمی و ملکزاده، به ترتیب در فوریه ۱۹۷۹ و دسامبر ۱۹۷۸، یعنی در اوج اغتشاشات انقلابی در کشور از ایران خارج شدند، در حالی که خانواده توکلی در ژانویه ۱۹۷۷، یعنی مدتها پیش از اینکه انقلاب قابل پیش بینی باشد از ایران نقل مکان کرد. بنابراین، بدیهی به نظر می‌رسد که انگیزه اقدام خانواده توکلی مصلحت و اقتضای موقعیت نبوده، بلکه وابستگی صمیمانه ای به ایالات متحده و میل به زندگی در آنجا بوده است. علاوه براین، دیوان در پرونده منعمی فرض را بر این قرار داد که ادعای فرزندان "زمانی بعد از اوت ۱۹۷۹" و در پرونده ملکزاده ادعای فرزندان "زمانی در سال ۱۹۷۹" ایجاد شده بود. بدینسان، در آن پرونده ها، خواهانها تنها چند ماهی پیش از ایجاد ادعایشان در ایالات متحده اقامت گزیده بودند. برعکس، کیوان آنتونی و جمشید دیوید توکلی تقریباً

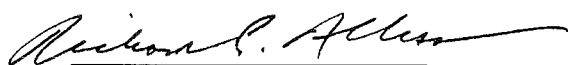
۱ بتی لورا منعمی و دیگران و جمهوری اسلامی ایران و دیگران، حکم جزئی شماره ۱-۲۷۴-۵۲۳ مورخ دهم تیرماه ۱۳۷۱ [اول ژوئیه ۱۹۹۲]، چاپ شده در 28 Iran-U.S. C.T.R. (منبع "منعمی").

۲ جون وارد ملکزاده و دیگران و جمهوری اسلامی ایران، حکم جزئی شماره ۱-۳۵۶-۵۴۳ مورخ اول بهمن ماه ۱۳۷۱ [۲۱ ژانویه ۱۹۹۳]، چاپ شده در - Iran-U.S. C.T.R. - (منبع در اینجا "ملکزاده").

سه سال بود که در ایالات متحده اقامت داشتند که اموالشان توسط ایران مصادره شد.

۳ - من گرچه با نحوه برخورد حکم با دعوی ویویان می توکلی موافقم، به این اظهار مندرج در (بند ۷۵) حکم در مورد ضابطه غرامت ایراد دارم. حکم با نقل از پرونده ابراهیمی^۳ ذکر می‌کند که: "باتوجه به شرایط و اوضاع و احوال پرونده حاضر، دیوان غرامت "مناسب" قابل پرداخت به خواهان را غرامت کامل می‌داند". پرونده ابراهیمی عدولی تأسف آور از رویه یکنواختی بود که در کلیه پرونده های دیگر متضمن مصادره در این دیوان، منجمله پرونده های قبلی رسیدگی شده در همین شعبه، به چشم می‌خورد. در یکایک پرونده های متضمن ضابطه غرامت در حقوق بین الملل عرفی نظر داده شده است که ضابطه، غرامت کامل است و هیچیک از پرونده های متضمن مصادره در دیوان (ازجمله پرونده ابراهیمی) حاکی از آن نیست که به خواهان حکم غرامتی کمتر از ارزش کامل مال گرفته شده داده شده باشد. من نظرات خود را در این باره در پرونده ابراهیمی^۴ بیان کرده ام و در اینجا تکرار نمی‌کنم. لیکن ذکر این نکته حائز اهمیت است که در پرونده حاضر، مانند پرونده ابراهیمی، ضابطه ای که عملاً "اعمال شد ضابطه غرامت کامل است؛ کلمات "مناسب" و "کامل" را شعبه در عمل کماکان مترادف یکدیگر و منطبق با رویه دیوان و حقوق بین الملل عرفی به کار می‌برد.

لايه، به تاريخ سوم اردیبهشت ماه ۱۳۷۶ برابر با ۲۳ آوریل ۱۹۹۷



ریچارد سی. الیسون

۳ شاهین شین ابراهیمی و دیگران و جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۵۶۰/۴۴/۴۶/۴۷-۳ مورخ ۲۰ مهرماه ۱۳۷۳ [۱۲ اکتبر ۱۹۹۴]، چاپ شده در - Iran-U.S. C.T.R. - (منبع در اینجا "ابراهیمی").

۴ نظر جداگانه ریچارد سی. الیسون در پرونده شاهین شین. ابراهیمی و دیگران و دولت جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۵۶۰-۴۴/۴۶/۴۷-۳ مورخ ۲۰ مهرماه ۱۳۷۳ [۱۲ اکتبر ۱۹۹۴]، چاپ شده در - Iran-U.S. C.T.R. - .